

نقش طراحی محیطی در پیشگیری از وقوع جرائم شهری

(مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر اصفهان)

The role of environmental design in preventing urban crime (Case study: the central part of Isfahan city)

Naficeh Marsousi¹, Esmaeel Safaralizadeh²
Robab Hoseinzadeh³

نفسیه مرصوصی^۱، اسماعیل صفرعلی‌زاده^۲،

رباب حسین‌زاده^۳

Accepted: 06/06/2014 Received: 19/11/2014

پذیرش: ۹۳/۰۸/۲۸

دریافت: ۹۳/۰۳/۱۶

Abstract

Rapid growth of urban population Leads to complicated problems, especially in occurrence Social abnormalities. Increased crime in cities threatens security and comfort of citizens and disrupts social cohesion. The Physical Structure of the cities has a significant influence on the incidence of crime and creates different spatial distribution of crime in the cities. Because the criminals choose the place of criminal act very measured and reasonable and with a lower risk and higher speed as possible, It is essential that Scientific and practical measures be made in this case. Pay attention to (CPTED) help much to this. This term is concerned with suitable designing and efficient use of space and built environment, that leads to reduction of criminal opportunities, fear of crime and improved quality of life. This theory emphasizes the optimization of opportunities, specific and clear definition of the territory, access control and the like, which are known as (CPTED) strategies, the perpetrators of the crime can be discouraged. Research methodology is documentary and field, questionnaire have been used as a tool for collecting information among the citizens of the central district of Isfahan. Research results indicate that attention to the principles and indicators of environmental optimized design and the municipality s assistance can play a significant role in reduction of the crime.

Keywords: city, crime place, urban crime, environmental design, Isfahan.

چکیده

رشد شتابان جمعیت شهرنشین مسائل و مشکلات فراوانی را در شهرها در پی داشته که وقوع انواع ناهنجاری‌های اجتماعی از آن جمله است، به طوری که امروزه افزایش جرم و جنایت، امنیت و آسایش شهروندان را تهدید می‌کند. معمولاً اعمال مجرمانه در قسمت‌هایی از شهر بیشتر اتفاق می‌افتد. چون مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده عمل می‌کنند و مکان‌هایی را جهت اعمال مجرمانه خود برمی‌گزینند که ارتکاب جرم در آن با خطر کمتر و سرعت بیشتر امکان‌پذیر باشد. به همین برنامه‌ریزان شهری باید توجه ویژه‌ای به موضوع داشته باشند. CPTED (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) از تکنیک‌هایی است که می‌تواند در این راستا به برنامه‌ریزان کمک نماید. CPTED به طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته‌شده، جهت کاهش اعمال مجرمانه، تأکید دارد. در این پژوهش نقش طراحی محیطی در میزان وقوع جرم قسمت‌های مرکزی شهر اصفهان مورد مطالعه قرار گرفته‌است که روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و از پرسش‌نامه به‌عنوان ابزاری برای گردآوری اطلاعات در بین شهروندان بخش مرکزی اصفهان استفاده گردیده‌است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که توجه به اصول و شاخص‌های طراحی بهینه محیط و مساعدت شهرداری می‌تواند در کاهش وقوع جرائم نقش به‌سزایی ایفا کند.

واژگان کلیدی: شهر، مکان جرم، جرائم شهری، طراحی محیطی،

اصفهان

1. Associate Professor of Geography, PNU, Tehran, Iran
(marsousin@yahoo.com).

2. Faculty member of Geography, PNU, Tehran, Iran
(kamyar_82@yahoo.com).

3. Faculty member of Geography, PNU, Tehran, Iran
(robab.hoseinzadeh@yahoo.com).

۱. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
(marsousin@yahoo.com).

۲. مربی گروه جغرافیا، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
(kamyar_82@yahoo.com).

۳. مربی گروه جغرافیا، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
(robab.hoseinzadeh@yahoo.com).

مقدمه

هم‌زمان با پیشرفت‌هایی که بشر در علوم مختلف به‌دست آورده، و در پی آن تغییرات و دگرگونی‌های عظیم جوامع، به‌ویژه توسعه شهرنشینی، صنعتی‌شدن، دگرگونی‌های فرهنگی، تغییر در سبک زندگی و تحول در ساخت نهادهای اجتماعی و وظایف و کارکردهای آن‌ها، موجب بروز مشکلات اجتماعی شده و چاره‌اندیشی برای آن‌ها تحقیقات زیادی را طلب می‌نماید (kaldi,2002,52). در غالب شهرهای جهان، جرایم معمولاً تهدیدی جدی برای حیات، تمامیت فردی و دارایی‌های انسان‌ها است. وقوع بیش از حد این جرایم در محیط‌های شهری نه فقط با اصول مسلم نظام اجتماعی تعارض دارد، بلکه همراه خود ضایعات سنگین، سختی و رنج انسان‌ها، به هدررفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و وخامت کلی در کیفیت زندگی را به ارمغان می‌آورد (Bayanlu and Mansourian, 2006, 30).

اینکه رفتار مجرمانه به چه دلیل به‌وجود می‌آید، پرسشی است که از دیرباز مطرح بوده‌است و جرم‌شناسان معاصر نیز ملزم به پاسخ‌گویی به آن هستند. سؤالات و موضوعاتی که به‌واسطه ارتکاب جرم به‌وجود می‌آیند نظیر مسائلی هستند که در گفتمان فلسفی مدرنیته مطرح شده‌اند. می‌توان این‌گونه عنوان کرد که افزایش سرقت‌ها و نیز قاچاق مواد مخدر که اکثر کشورهای غربی را تحت تأثیر قرار داده است ارتباط بسیار نزدیکی با افزایش ثروت و دارایی، گسترش رفاه، گردش آزاد پول، رفت‌وآمد آزادانه اشخاص، پیچیدگی معماری شهری و اعطای آزادی گسترده در برخی زمینه‌ها دارد (Kasan, 2006, 15).

جرم امروزه مشکل تمام کشورها است و مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی تمام افراد تأثیر می‌گذارد. علاوه بر مشکل جرم، ترس از جرم نیز یکی از معضلات جوامع کنونی است که آثار روان‌شناختی شدیدی چون اضطراب، بی‌اعتمادی، انزوا در زندگی انسان‌ها باقی گذاشته و موجب می‌شود تا افراد از حضور در محیط اجتناب کنند

(Gorchi, 2005, 12) «انگیزه، زمان و مکان» سه عامل

اصلی بروز جرایم هستند.

بنابراین تفاوت در ویژگی‌های مکانی و زمانی و الگوهای رفتاری، توزیع فضایی متفاوت بزهکاری در سطح شهرها را پدید می‌آورد و از آنجا که مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می‌کنند و مکان‌هایی را جهت اعمال مجرمانه خود برمی‌گزینند که ارتکاب جرم با خطر کمتر و سرعت بیشتر امکان‌پذیر باشد.

از این‌رو ساختار کالبدی شهرها در بروز جرایم تأثیر به‌سزایی دارد و تغییر در مشخصه‌های مکانی منجر به شکل‌گیری الگوهای زمانی و مکانی خاص بزهکاری می‌شود (Abdullahi, 2004, 6) به همین دلیل نیاز است که راهکارهایی برای پیشگیری از جرم ارائه گردد تا نرخ جرایم در شهرها کاهش یابد. نقش برنامه‌ریزی شهری در اینجا از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌شود، به این دلیل که برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان علم ساماندهی شهرها، می‌تواند نقش مهمی در تغییر شرایط فیزیکی و مکانی آن جهت کاهش جرایم ایفا نماید و برنامه‌ریزان شهری می‌توانند با شناخت ویژگی‌ها و تسهیلات مکانی جرم در شهرها و با اعمال تغییرات در این محیط و همچنین با برنامه‌ریزی و طراحی محیطی به‌منظور حذف تسهیلات محیطی جرم، نرخ جرایم را در سطح شهرها به حداقل برسانند که برای تحقق بهتر این امر باید از تجارب شهرسازان و معماران در این زمینه بهره‌گیرند و ساختار نظام کنترلی را طوری طراحی یا تغییر دهند تا به هدف پیشگیری از جرم و کاهش میزان ارتکاب و تکرار آن‌ها دست یافت.

در این زمینه رویکردهای چندی پیشنهاد شده است که رویکرد پیشگیری از جرم (CPTED) یکی از مشهورترین آن‌ها است که از دهه ۱۹۶۰ مطرح شده است. این رویکرد بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب و کاربری مؤثر از محیط از ارتکاب جرم پیشگیری کرده و علاوه بر بهبود کیفیت زندگی بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه کرد (Crow,2000,46).

تمام جرایم نیست و نمی‌تواند به‌طور کلی جرم را ریشه‌کن نماید بلکه به‌عنوان بخشی از سیاست جامع پیشگیری و در کنار اجرای سایر راهبردهای پیشگیری از جرم می‌تواند از اثربخشی مطلوبی برخوردار باشد (Mahmoudi and Gorchy, 2008, 345-367).

شاهپوندی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان تحلیلی بر توزیع فضایی جرایم در مناطق شهر اصفهان با روش توصیفی - تحلیلی با حجم نمونه ۳۳۴ نفر از مجرمین به این نتیجه رسیدند که در شهر اصفهان سرقت بیشترین فراوانی را داشته و بین زمان وقوع جرم و مناطق وقوع جرم و نوع جرم و تراکم جمعیت و تعداد جرایم رابطه معناداری وجود دارد (Shahivandi et al., 2009, 153-182).

نکته حایز اهمیت این است که تاکنون مطالعات چندانی به‌صورت موردی بر روی طراحی محیطی و مکان‌هایی که جرم در آن‌ها اتفاق می‌افتد صورت نگرفته‌است و بیشتر مطالعات بر روی مجرم و خصوصیات رفتاری او در بروز جرم تأکید داشته‌است.

در این پژوهش تأکید عمده بر روی طراحی و معماری بهینه شهری به‌منظور جلوگیری از ارتکاب جرایم در بخش مرکزی شهر اصفهان می‌باشد.

با توجه به اینکه محیط و عناصر آن بر رفتار انسانی تأثیرگذار است و در صورتی که محیط متناسب با اصول و معیارهای شهرسازی و اخلاق و خصوصیات ساکنین نباشد می‌تواند زمینه‌ساز وقوع جرایم مختلف باشد به همین دلیل در این پژوهش سعی می‌شود با شناخت اصول صحیح طراحی محیطی و شناخت عواملی که می‌تواند میزان امنیت محله و ساکنین آن‌ها را تأمین کند راهکارهایی برای کاهش جرم مخصوصاً سرقت در بافت مرکزی شهر اصفهان ارائه گردد. بنابراین این تحقیق در راستای پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. از دیدگاه شهروندان کدام شاخص در طراحی محلات شهری می‌تواند در کاهش جرم (سرقت) نقش داشته باشد؟

این رویکرد با بهره‌گیری از ایده «اختلاط کاربری در شهر» و «چشمان ناظر بر خیابان» که در سال ۱۹۶۱ در کتاب تأثیرگذار «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» جین جاکوبز مطرح شده‌بود آغاز شد. وی در اثر معروف خود به مطالعه نوع طراحی شهرها و تأثیر آن در کاهش بزهکاری و همچنین تأثیر مراقبت‌های طبیعی و معمولی مردم در پیشگیری از جرم پرداخت (kalantari et al., 2010, 570).

در آثار افرادی چون الیزابت وود، اسپچملو آنجل، اسکار نیومن و جفری اهمیت طراحی شهری و تأثیر آن بر رفتار و جرم به وضوح مشاهده می‌شود و در آثار آن‌ها نوعی انتقاد از وضع موجود معماری در آن دوره وجود دارد (Mahmoudi and Gorchy, 2008, 347).

در سال‌های اخیر مطالعاتی درخصوص این رویکرد در ایران صورت گرفته که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: حیدری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در شهر زنجان به این نتیجه رسیدند که توزیع متعادل کاربری در سطح شهر می‌تواند باعث افزایش نظارت اجتماعی در مناطق خلوت و کاهش تراکم جمعیت در بخش‌های متراکم شود و از بروز جرم پیشگیری نماید (Heydari et al., 2011, 11-27).

در پژوهشی دیگر در سال ۱۳۸۷ پورجعفر و همکاران با روش تحلیلی - اسنادی به بررسی ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با رویکرد CPTED پرداختند و به این نتیجه رسیدند که از طریق طراحی محیطی و توجه بیشتر به تقویت قلمروهای طبیعی، کنترل دسترسی، نظارت طبیعی، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی و تعمیر و نگهداری زیرساخت‌ها می‌توان میزان پتانسیل‌های جرم‌خیزی مناطق را کاهش داد و در این راستا راهبردهایی را برای دستیابی به این مهم در کشور ایران ارائه دادند (Pour J. Et al., 2008, 83-72).

محمودی و قورچی نیز در پژوهشی تحت عنوان نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم با تشریح رویکرد CPTED به این نتیجه رسیدند که این رویکرد پادزهر

۲. آیا بین توجه شهرداری و سازمان‌های مرتبط و کاهش جرم رابطه وجود دارد؟

قلمرو پژوهش

شهر اصفهان سومین کلان‌شهر کشور در مرکز جغرافیایی ایران قرار دارد. براساس تقسیمات شهری این شهر در حال حاضر دارای ۱۵ منطقه شهری می‌باشد. طبق سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۱ جمعیت این شهر ۱۹۰۸۹۶۸ نفر می‌باشد. در این میان وسعت محدوده مورد مطالعه ما که بخش مرکزی (مناطق ۱ و ۳) می‌باشد به ترتیب دارای ۸۱۰ و ۱۱۵۲ هکتار وسعت است (شهرداری اصفهان). منطقه (۱) دارای ۲۶ محله شهری می‌باشد و محدوده آن از شمال به خیابان فروغی، از جنوب به خیابان زاینده‌رود، از شرق به خیابان‌های چهارباغ عباسی و چهارباغ پایین و همچنین از سمت غرب به خیابان‌های خرم و خیام محدود می‌شود (Varesi, 2000, 53). منطقه ۳ شهری اصفهان بخش نسبتاً وسیعی از محدوده مرکزی این شهر را دربر می‌گیرد که از جنوب به رودخانه زاینده‌رود و خیابان حاشیه‌ای آن، یعنی کمال اسماعیل و مشتاق اول، از شمال به خیابان‌های سروش و مدرس، از شرق به خیابان بزرگمهر و از غرب هم به خیابان‌های چهارباغ عباسی، چهارباغ پایین و کاوه محصور می‌باشد و این منطقه دارای ۲۸ محله شهری است (Detailed plan, 2001, 3).

مواد و روش

در تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت نظری - کاربردی مباحث مطرح‌شده از دو روش مطالعات میدانی و اسنادی استفاده شده‌است. برای مطالعات میدانی پرسش‌نامه‌ای از بین شهروندان بخش مرکزی شهر اصفهان شامل منطقه ۱ و ۳، تکمیل گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل ۱۸۴۰۳۶ نفر می‌باشد. برای محاسبه نمونه از فرمول کوکران با خطای استاندارد ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شده است. از آنجا که امکان مطالعه همه شهروندان امکان‌پذیر نبود لذا با استفاده از حجم نمونه، تعدادش ۳۲۲ نفر برآورد شد که برای روایی بیشتر، تعداد پرسش‌نامه‌ها به ۳۵۰ افزایش یافت.

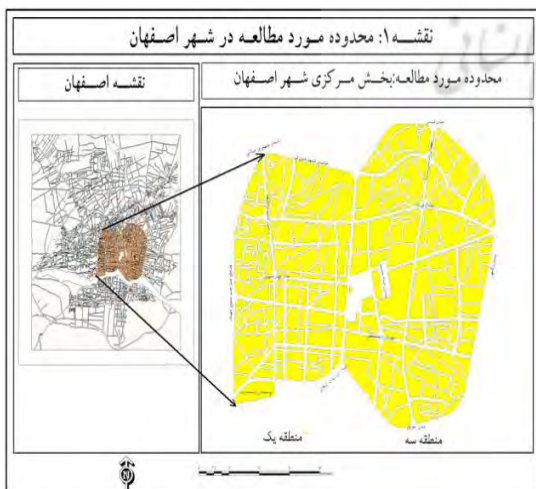
فرمول شماره ۱. فرمول کوکران

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right) \right)$$

$$\frac{(1.96)^2 (.7)(.3)}{(.5)^2} \left(1 + \frac{1}{184036} \left(\frac{(1.96)^2 (.7)(.3)}{(.5)^2} - 1 \right) \right) = 322$$

میزان روایی به‌دست آمده از گویه‌های تحقیق ($a = .84$) در پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ نشان‌دهنده روایی قابل قبول گویه‌های ذکر شده می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش میزان پیشگیری از جرم از ۱۲ شاخص متناسب با طراحی محیطی استفاده شده، آلفای به‌دست آمده از این گویه‌ها $a = .90$ می‌باشد که بیانگر روایی قابل قبول و پایداری درونی گویه‌های ذکر شده می‌باشد.

نمونه‌گیری موردنظر در این پژوهش به‌صورت تصادفی است. در این بررسی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS با استفاده از روش آماری استنباطی



شکل ۱. نقشه مناطق ۱ و ۳ شهر اصفهان

مبانی نظری

مفهوم جرم

دور کیم عقیده دارد جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از نظام، فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می‌گردد و تا زمانی که اجتماع و نظام آن باقی است، جرم نیز دارای خصوصیت دائمی خواهد بود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه‌دار کند جرم محسوب می‌شود (Danesh, 1995, 46).

به عبارت دیگر تمامی جوامع و گروه‌های انسانی دارای هنجارهای خاص خود هستند که با یک تداوم خاص و در مدت زمان طولانی به وجود آمده‌اند، قوانینی که سرپیچی از آن‌ها مستوجب مجازات است و تغییر در این هنجارها به عنوان جرم تلقی می‌شود (Kasan, 2005, 16).

مفهوم امنیت

مفهوم امنیت به دفاع یا حفاظت از خود، خانواده، دوستان و اموال باز می‌گردد. این مفهوم در فضای شهری از یک سو با جرم و از سوی دیگر با مفهوم بزه‌دیده ارتباط پیدا می‌کند. خاطرنشان می‌شود که باید میان ترس و خطر، یا احساس امنیت و در امان بودن تفاوت قائل شد. از نظر علمی در مخاطرات جرم، یعنی ترس از وقوع جرم به اندازه خود آن، یعنی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارد. واکنش نسبت به ترس از قربانی شدن، باعث می‌شود که بسیاری از مردم، از خطرات دوری کنند یا حداقل میزان در معرض خطر قرارگرفتن را کاهش دهند، که این خود می‌تواند منجر به عدم حضور مردم نه تنها در یک مکان خاص بلکه در بیشتر فضاهای عمومی شود (Modiri, 2006, 14).

احساس امنیت پدیده‌ای روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. به لحاظ روان‌شناسی

احساس امنیت سازه‌ای چندبعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه‌های متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل سنجش و اندازه‌گیری است (Bayat, 2008, 23).

بر این مبنا به نظر می‌رسد که احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد. گاهی اوقات ساختارهای اجتماعی و انتظامی جامعه امنیت بالایی را نشان می‌دهند، اما برداشت افراد از فضای اجتماعی یا اطلاعات آنان در مورد دیگران، آنان را در مخصصه روانی احساس ناامنی قرار می‌دهد. برخی افراد جامعه نیز به خاطر تأمین منابع خویش با پذیرش ریسک‌های گوناگون ناخواسته خود را در معرض احساس ناامنی قرار می‌دهند که این شرایط خودساخته، با فضای کلان و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه فاصله دارد و بالعکس گاهی اوقات برخی افراد در فضای کاملاً ناامن زندگی می‌کنند اما هیچ‌گونه احساس ناامنی نمی‌نمایند (Bayat, 2008, 12).

امنیت و احساس امنیت دو روی یک سکه و یک واقعیت عینی در حیات اجتماعی افراد محسوب می‌شود و بنابر تعبیر حکمای یونان اصلی‌ترین کار ویژه حکومت‌ها بوده، به طوری که زیربنا و بستر توسعه و پیشرفت و تکامل اجتماعی افراد به حساب می‌آید. امنیت حامل معانی اطمینان، عدم ترس و نهراسیدن می‌باشد. یعنی از احساس امنیت (حالات و موقعیت‌های ذهنی تا ایمنی و اطمینان خارجی (موقعیت‌های عینی و برونی) در این واژه نهفته است (Muezzzen, 2005, 128).

در دیدگاه سنتی امنیت صرفاً به معنای مصون ماندن شرایط فردی، گروهی و اجتماعی است که عاری از خشونت و پرخاشگری باشد، درحالی‌که در دیدگاه مدرن و نوین امنیت هم ایمنی ناشی از فقدان خشونت را دربر می‌گیرد و هم مبتنی بر شرایطی است که انسان به لحاظ شغلی، خانوادگی، فکری، عقیدتی، سیاسی و فرهنگی و مانند آن نیز، با آسودگی یا رفاه و آسایش به زندگی خود ادامه دهد

(Kashani, 2005, 128). یکی از ابعاد بسیار مهم امنیت بعد اجتماعی آن است. منظور از امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطر است که هر جامعه موظف است برای افراد جامعه خود در زمینه‌های مختلف شغلی، اقتصادی، سیاسی و... ایجاد نماید.

بنابراین امنیت اجتماعی چیزی نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید و اضطراب و همچنین مصون ماندن جان، مال، ناموس و اعتقادات آنها از هرگونه تهدید و ترس از جانب دیگران (Sadig, 1999, 5). با وجود احساس امنیت، فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس ایمنی می‌کند (Bayat, 1999, 33).

مروری بر اندیشه CPTED

می‌توان گفت که نظریه CPTED رهیافتی جدید است که سابقه‌ای دیرینه دارد. این نظریه محصول دهه‌ی ۶۰ به بعد میلادی در آمریکا است. شاید قبل از این، هیچ‌گاه به این اندازه به تأثیر محیط ساخته‌شده بر جرم پرداخته نشده بود. بعد از این دهه بود که در اثر فعالیت‌های افرادی چون جین جاکوبز با کتاب «حیات و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا»، اسپلمو آنجل با کتاب «پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری»، الیزابت وود با کتاب «جنبه‌های اجتماعی خانه‌سازی در توسعه شهری»، اسکار نیومن با کتاب فضای قابل دفاع و کتاب سی. ری جفری با نام «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»، این نظریه و روابط میان محیط و جرم بیشتر آشکار شد.

در دهه (شصت میلادی)، بیشتر فعالیت‌ها مبتنی بر تأکید و اثبات رابطه‌ی میان محیط فیزیکی و جرم قرار داده شده‌است. در این دوره با انتقاد از اصول شهرسازی و طراحی آن دوره که مبتنی بر خیابان‌های خلوت، عدم تعامل مردم و ساکنین با یکدیگر و عدم نظارت طبیعی بر محله بوده‌است، آغاز می‌شود و سپس مفاهیم اولیه نظریه CPTED در این دوره نضج می‌گیرد.

در واقع این دوره را می‌توان دوره‌ی انتقاد از وضع معماری موجود و تأکید بیشتر بر توجه به نقش محیط در ارتکاب جرم دانست (Mahmoudi and Gorchy, 2009, 249).

ارتباط بین شهر و جرم

ارتباط بین شهر و جرم از آن جهت است که ویژگی‌های فضایی محیطی شهر می‌تواند پرورش‌دهنده‌ی جرائم خاصی باشد. نکته اساسی آن است که شرایط عینی و کالبدی زندگی شهری می‌تواند روابط شهروندان با شهر را محدود سازد. ریشه‌ی این محدودسازی تعاملات با شهر، نگرانی و ترس آنان از تعرض اعمال و رفتارهای مجرمانه است. شهروندان برای کاهش آسیب‌ها و ضررهای چنین تعرضی ترجیح می‌دهند تا حیطه‌ی بده‌بستان خود را با شهر محدود کنند (Alikhah and Najibi, 2006, 111).

برنامه‌ریزان شهری تأکید می‌کنند با توجه به ساختار شهری (مورفولوژی) می‌توان ضمن بررسی فرآیند شکل‌گیری شهر، به عوامل محیطی مرتبط و مؤثر بر پیشگیری از جرم پرداخته و علاوه بر مشخص کردن نواحی جرم‌زا در شهرها، به تأثیر نقش تراکم شهرها، نحوه توزیع نقاط داغ جرم و عوامل مؤثر بر آنها توجه داشت. امروزه ثابت شده که مؤثرترین طرح‌ها و اقدامات آنهایی هستند که با طبیعت و محیط هماهنگی دارند. شرایط خاص محیطی و ژئومورفیک برخی مناطق باعث شده که این مناطق برای وقوع برخی جرائم بیشتر مستعد باشند (Pazukizadeh, 2008, 38).

امروزه بافت شهرها تغییر کرده‌است. محلات و ارتباطات دوستانه زمان قدیم از بین رفته‌است و این باعث عدم نظارت شده‌است. خودی و بیگانه را نمی‌توان از هم تشخیص داد و قلمرو و مالکیت، دیگر دارای معنی سابق نیست. در واقع قبلاً فضاهای شهری شامل میدان‌ها و خیابان‌هایی بود که طراحی شده و مشخص بودند. اما در دوره اخیر هنگامی که دسترسی‌ها (بزرگراه‌ها، پل‌ها، تقاطع‌ها،...) بخواهند مکان خود را در شهر بیابند آنگاه

دایره ۱ محل فعالیت‌های تجاری، منطقه ۲ تحت عنوان منطقه در حال تغییر و تبدیل نام‌گذاری شده و منطقه‌ای است که هسته اصلی شهر را احاطه کرده، منطقه ۳ محل سکونت کارگران، منطقه ۴ محل سکونت طبقه متوسط و منطقه ۵ محل سکونت طبقات مرفه جامعه می‌باشد که به شهر رفت‌وآمد دارند (Momtaz, 2002, 85).

برگس بر این باور است که در منطقه انتقالی (منطقه ۲) به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، میزان بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، بالاترین میزان جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود. این منطقه در یک دایره سکونت‌گاهی در مجاورت مرکز شهر که منطقه‌ای تجاری است قرار دارد. در مقابل، آخرین دایره سکونت‌گاهی کلان‌شهر که دایره پیرامون شهر می‌باشد با پایین‌ترین میزان جرم و بزهکاری مواجه است، عدم ثبات جمعیتی و بوم‌شناختی در منطقه انتقالی موجب تخریب توانایی کارکردهای نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده و کنترل رفتار ساکنین می‌شود (Ahmadi, 2005, 62).

بوم‌شناسی جنایی یا اکولوژی، تأثیر زیستگاه فردی و محیط زیست فرد در رفتار مجرمانه فرد را مورد مطالعه قرار می‌دهد. شاو و مکی با مقایسه میان بوم‌شناسی انسان‌ها و گیاهان نشان دادند، همان‌گونه که اگر گیاهان از نظر خاک مساعد و فضای کافی در مضیقه باشند، رشد نکرده و پژمرده می‌شوند، نامساعد بودن شرایط محیط زیست در قلمرو انسان‌ها و بوم‌شناسی انسان‌ها نیز ایجاد اختلال می‌کند (Galibaf et al., 2010, 24).

استراتژی‌های پیشگیری از جرم

۱. حفظ قلمرو

طبیعتاً مردم قلمروی را که احساس می‌کنند از آن خودشان است، حفاظت می‌کنند و نسبت به قلمرو دیگران احترام خاصی قایل هستند. مرزهای مشخص مناطق شخصی و عمومی با استفاده از عناصر فیزیکی همچون پرچین‌ها، سنگفرش پیاده‌روها و علائم به دست می‌آید. همه این

فضاهایی را ایجاد می‌نمایند که گم‌شده‌اند و امکان نظارت دید بر آنها کم است و یا وجود ندارد، بنابراین تبدیل به فضاهای غیرقابل دفاع می‌شوند، که این مسائل در شهرهای بزرگ که جرائم بیشتری نیز در آنها اتفاق می‌افتد، بیشتر نمود پیدا می‌کند.

جرم و بوم‌شناسی جرم

رابطه جرم و مکان جرم به شیوه نوین علمی در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی و با بهره‌گیری از نظریه «اکولوژی اجتماعی» آغاز شد. کتله و گری از پیشروان این تفکر بودند که سپس این اندیشه به وسیله دیگر اندیشمندان پیرو مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو همچون «شاو» و «مک کی» در اوایل قرن بیستم میلادی دنبال شد (Galibaf et al., 2010, 23).

تقریباً مطالعه محل جرم بیشتر با مدل مرکزیت شهر توسعه یافته است و نتیجه این که جرائم در مرکز شهر تمرکز یافته و از مرکز به اطراف کاهش پیدا می‌کند. اگرچه کارلند ادعا می‌کند که طرفداری از این نظریات بعد از یک دوره مطالعات متعدد در آمریکا و انگلستان کاهش پیدا می‌کند مناطقی مداوم به جرم یافت می‌شود که مدل تجربی و یکسانی برای جرم‌خیز بودن این نواحی وجود ندارد. بزهکاری و محل اقامت مجرمین که با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی ارتباط دارد، یکی از عناصر اصلی شناسایی مجرمین است ولی با این وجود جرم در جاهای دیگر هم اتفاق می‌افتد (Cozens, 2003, 131).

طرفداران مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو از جمله برگس که از صاحب‌نظران اصلی این مکتب است در مورد توزیع جرائم در شهرها عقایدی دارد که در ذیل به آن می‌پردازیم. برگس معتقد بود که توسعه‌ی شهر همانند دوایر متحدالمرکزی شکل می‌گیرد که در هریک از این دایره‌ها فعالیت خاصی در جریان است.

خیابان‌ها) می‌تواند تأثیر مثبتی در کاهش جرم و ترس از ارتکاب جرم داشته باشد (Cozens et al, 2005, 331).

۳. کنترل دسترسی طبیعی

کنترل دسترسی می‌تواند فقط استفاده‌کنندگان مجاز را تشویق به استفاده از فضا کند در حالی که آن‌هایی که قصد سوء استفاده از این فضاها را دارند ناامید کند. موقعیت عاقلانه ورودی‌ها، خروجی‌ها، نرده‌ها، نماها و روشنایی‌ها، پیاده‌روهای مستقیم و ترافیک گردونه‌ای راه‌هایی هستند که می‌توانند جرایم را کاهش دهند (Cozens, 2002, 133).

۴. روشنایی

روشنایی کافی برای مردم ضروری است تا دیده شوند و پدیده‌ها راحت‌تر دیده شوند. از نقطه نظر امنیتی برای دید، روشنایی‌ها و چراغ‌هایی که به‌طور راهبردی مکان‌یابی می‌شوند، می‌تواند اثر ذاتی روی کاهش ترس از ارتکاب جرم داشته باشد. سطح اساس روشنایی باید امکان شناسایی چهره افراد را از فاصله حدود ۱۰ متری برای هر فرد با دید معمولی را مهیا کند (National Crime Prevention Council, 2009, 360).

روشنایی دو کار انجام می‌دهد نخست اینکه به کسانی که ناظر یک وضعیت هستند کمک می‌کند که واضح‌تر ببینند و دیده شوند. دوم اینکه مردم را تشویق به حضور بیشتر در محیط می‌کند زیرا رؤیت‌پذیری بیشتر موجب احساس امنیت بیشتر و افزایش چشم‌های ناظر بر خیابان می‌شود. بعد از تاریکی هوا فرصت نظارت کم می‌شود. این کمبود از طریق روشنایی جبران می‌شود و تحقیقات زیادی به تأثیر این موضوع پرداخته‌اند (Mahmoudi and Gorchy, 2009, 360).

۵. مدیریت و نگهداری

نگهداری بهتر از محیط علاوه بر افزایش قلمروگرایی در میان ساکنان، احساس تعلق به فضا را ارتقا داده و این حس را القا خواهد کرد که این محله دارای فضای امنی است و کوچک‌ترین انحراف و خطایی در این محیط با

موارد به اضافه حفاظت خوب از قلمرو راه‌هایی برای نمایش مالکیت هستند. شناسایی متجاوزان در چنین فضاهای مشخص‌شده‌ای آسان‌تر صورت می‌گیرد (National Crime Prevention Council, 2003, 5).

عامل قلمرو، نشانه مالکیت یا تحت سرپرستی بودن منطقه است که هم موجب نظارت ساکنان بر منطقه می‌شود و هم به‌طور نامحسوس با اخطار دادن به مجرمین مبنی بر اینکه در حال قدم گذاشتن به حریم خصوصی افراد هستند، مانع کار آن‌ها می‌شوند. میزان وابستگی افراد به محیط درجات مختلفی دارد:

- بی‌تفاوتی نسبت به یک مکان

- تعلق به مکان

- دلبستگی به مکان

- یکی‌شدن با اهداف مکان

- حضور در مکان

- فداکاری برای مکان (Mahmoudi and Gorchy, 2009, 357).

۲. نظارت طبیعی

طراحی فیزیکی ظرفیت ترقی فرصت‌های نظارت طبیعی یا غیررسمی برای ساکنان و کارگزاران آن است. آنجل پیش‌بینی کرده‌است که سطوح بحرانی خاص از فعالیت خیابان‌ها و تراکم جمعیت مرتبط با جرم هستند. نظارت طبیعی یک مفهوم طراحی است که براساس آن مزاحمان را زیر نظر می‌گیرند. ایجاد نظارت طبیعی به ایجاد محیطی کمک می‌نماید که فرصت‌های زیادی برای رفتارهای نرمال مردم آنجا ایجاد می‌کند. فضاها می‌توانند به‌نحوی طراحی شوند که به آسانی مشاهده شوند.

بنابراین ترس از جرم در این فضاها بیشتر می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که نظارت طبیعی (به‌عنوان مثال فرصت نظارت توسط خود ساکنین از طریق پنجره‌ها)، نظارت رسمی (به‌عنوان مثال گشت‌های پلیس) و استراتژی‌های نظارت مکانیکی (به‌عنوان مثال روشنایی

لحاظ جنسیت ۵۳/۱ درصد معادل ۱۸۶ نفر پاسخ‌گویان را مرد و ۴۶/۹ درصد معادل ۱۶۴ نفر را زنان تشکیل می‌دهد.

توزیع سنی پاسخ‌گویان

بررسی سنی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که از بین ۳۵۰ نفر پاسخ‌گو ۲۵/۷ درصد کمتر از ۲۰ سال، ۳۶ درصد بین ۲۰ الی ۴۰ سال، ۳۵/۷ درصد را افرادی با سنین ۶۰-۴۰ و ۲/۶ درصد را بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهد. بنابراین جوانان بیشترین فراوانی پژوهش حاضر تشکیل می‌دهند.

جدول ۱. توزیع سنی پاسخ‌گویان

| سن | تعداد | درصد | درصد تجمعی |
|--------------|-------|------|------------|
| زیر ۲۰ سال | ۹۰ | ۲۵/۷ | ۲۵/۷ |
| ۲۰-۴۰ سال | ۱۲۶ | ۳۶ | ۶۱/۷ |
| ۴۰-۶۰ سال | ۱۲۵ | ۳۵/۷ | ۹۷/۴ |
| بالای ۶۰ سال | ۹ | ۲/۶ | ۱۰۰ |
| مجموع | ۳۵۰ | ۱۰۰ | - |

منبع: مطالعات نگارندگان

وضعیت تحصیلی پاسخ‌گویان

وضعیت تحصیلی پاسخ‌گویان نشان‌دهنده این است که حدود ۱۴ درصد با مدرک تحصیلی زیردیپلم، ۴۸/۳ درصد با مدرک دیپلم و فوق‌دیپلم، ۳۷/۷ درصد را لیسانس و بالاتر تشکیل می‌دهند.

وضعیت شغلی

وضعیت شغلی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۲۸/۶ درصد کارمند، ۲۳/۱ درصد شغل آزاد، ۳/۱ درصد بازنشسته، ۱۷/۱ درصد بیکار، ۲۴/۶ درصد را دانشجویان و دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند.

یافته‌های تحقیق

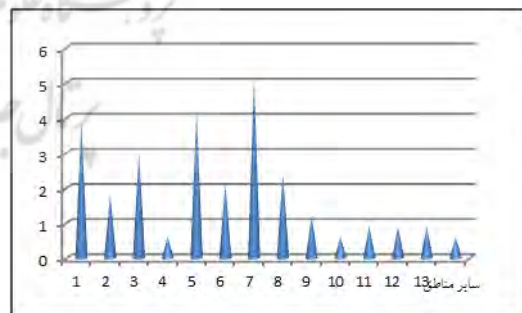
برای تحلیل یافته‌ها از اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه توزیع شده در مناطق ۱ و ۳ شهر اصفهان در استفاده گردید. پرسش‌نامه دارای ۱۲ شاخص مؤثر در

واکنش روبه‌رو خواهد شد. خانه‌ها و فضاهای خالی و بلاتصدی به مانند یک آهن‌ربا در برابر جرم عمل می‌کنند. این بخش از مفهوم نظریه CPTED با نظریه پنجره‌های شکسته رابطه‌ای تنگاتنگ دارد.

اطلاعات و داده‌ها

با مروری بر پیشینه پژوهش و مطالعات صورت گرفته برای شهر اصفهان علی‌الخصوص مقاله شاهپوندی و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که از مجموع ۳۳۴ نفر از مجرمین زندانی در زندان‌های این شهر، ۹۴ نفر به علت سرقت دستگیر شده‌اند و این جرم ۲۸/۱ درصد از کل جرایم را شامل می‌شود. توزیع فراوانی جرایم در طول شبانه‌روز نشان می‌دهد که از مجموع ۹۷ سرقت انجام شده در سال ۱۳۸۸، ۱۱ مورد بین ۶ صبح تا ۱۲ ظهر، ۴۶ مورد بین ۱۲ ظهر تا ۱۹ شب و ۴۰ مورد بین ۱۹ شب تا ۶ صبح اتفاق افتاده است (Shahivandi et al., 2009, 172).

با توجه به شکل ۱، منطقه ۷ با ۵/۱ درصد بیشترین سرقت و منطقه ۵ با فراوانی ۴/۲ درصد در رتبه دوم و مناطق ۱ و ۳ به ترتیب با ۳/۹ و ۳ درصد در رتبه‌های سوم و چهارم از لحاظ وقوع سرقت قرار دارند. مناطق ۱ و ۳ بخش مرکزی شهر اصفهان را تشکیل می‌دهند. بنابراین مطالعه سرقت در این بخش ضروری است.



شکل ۱. فراوانی سرقت در مناطق شهری اصفهان

منبع: شاهپوندی و همکاران، همان

در پژوهش حاضر با توجه به تاریخی بودن این بافت‌ها سعی شده است تا نقش طراحی محیطی در وقوع جرم در این بافت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. نتایج توصیفی توزیع پرسش‌نامه در بین ساکنین این مناطق نشان می‌دهد که از

میزان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بوده که بر مبنای طیف ۵ مقیاسی لیکرت تنظیم شده است. نتایج تأثیر هریک از شاخص‌ها در کاهش وقوع جرم از نظر شهروندان در جدول شماره (۲) آورده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های مورد مطالعه برای سنجش میزان جرم در مناطق ۱ و ۳ از بخش مرکزی اصفهان

| کل | بسیار زیاد | زیاد | متوسط | کم | بسیار کم | فراوانی گویه‌ها |
|-----|------------|------|-------|------|----------|---|
| ۱۰۰ | ۹/۹ | ۷/۶۴ | ۶/۱۷ | ۴/۵ | ۳/۴ | روشنایی خیابان‌ها |
| ۱۰۰ | ۲/۹ | ۳/۵۲ | ۴/۲۱ | ۸/۹ | ۳/۷ | وضعیت قرار گیری ساختمان‌ها |
| ۱۰۰ | ۸/۱۲ | ۸/۷۳ | ۶/۸ | ۹/۲ | ۸/۱ | مدیریت و حفاظت از محیط |
| ۱۰۰ | ۳/۱۵ | ۹/۷۶ | ۷/۶ | ۱/۱ | ۰۰/۰ | وجود نگهبان محله |
| ۱۰۰ | ۲/۱۲ | ۳/۶۹ | ۲/۱۰ | ۲/۵ | ۱/۳ | وضعیت فیزیکی محله |
| ۱۰۰ | ۹/۶ | ۱/۶۲ | ۴/۱۶ | ۳/۱۰ | ۲/۴ | وضعیت اقتصادی ساکنین محل |
| ۱۰۰ | ۳/۱ | ۷/۶۴ | ۷/۲۴ | ۲/۷ | ۱/۲ | پایگاه‌های قومی، قبیله‌ای، نژادی |
| ۱۰۰ | ۶/۲ | ۲/۵۰ | ۳/۳۲ | ۳/۱۱ | ۶/۳ | تراکم جمعیت در محلات |
| ۱۰۰ | ۵/۳۴ | ۶/۴۰ | ۶/۲۱ | ۲/۳ | ۰۰/۰ | کیفیت در و پنجره ساختمان‌ها |
| ۱۰۰ | ۶/۱۰ | ۸/۴۲ | ۹/۳۸ | ۸/۴ | ۹/۲ | قدمت بافت‌ها |
| ۱۰۰ | ۸/۱۳ | ۹/۵۴ | ۵/۲۴ | ۴/۴ | ۳/۲ | رسیدگی شهرداری به مشکلات محلات |
| ۱۰۰ | ۷/۱۹ | ۷/۳۹ | ۶/۳۱ | ۹/۵ | ۱/۳ | تامین امکانات و تأسیسات برای عملکرد بهتر محله از جانب شهرداری |

منبع: مطالعات نگارندگان

برای تعیین درجه اهمیت شاخص‌ها از چهار عامل مهم استفاده شده که عبارتند از:

۱. وزن تأثیر $n(S)=S/n$ که S حالت‌های ممکن (تعداد پاسخ‌ها $\times 5$) و n تعداد شاخص‌ها

۲. ضریب تأثیر $n(A)=A/n$ که A حاصل ضرب فراوانی‌های طیف لیکرت در ارزش‌ها که بین ۱ تا ۵ است و n تعداد شاخص‌ها

۳. درصد احتمال وقوع $p(A)=n(A)/n(S)$

۴. اولویت‌بندی شاخص‌ها (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۰)

جدول ۳. اولویت‌بندی گویه‌ها برحسب درجه اهمیت از نظر شهروندان

| اولویت | درصد احتمال وقوع | ضریب تأثیر | وزن تأثیر | فراوانی گویه‌ها |
|--------|------------------|------------|-----------|---|
| ۶ | ۷۳/۹۵ | ۱۰۷/۸۳ | ۱۴۵/۸۳ | روشنایی خیابان‌ها |
| ۱۱ | ۶۹/۳۲ | ۱۰/۱ | ۱۴۵/۸۳ | وضعیت ساختمان‌ها |
| ۳ | ۷۸/۳۴ | ۱۱۴/۲۵ | ۱۴۵/۸۳ | مدیریت و نگهداری از محیط |
| ۲ | ۸۱/۲ | ۱۱۸/۴۲ | ۱۴۵/۸۳ | وجود نگهبان محله |
| ۴ | ۷۶/۴۶ | ۱۱۱/۵ | ۱۴۵/۸۳ | بافت فیزیکی محله |
| ۸ | ۷۱/۳۷ | ۱۰۴/۱ | ۱۴۵/۸۳ | وضعیت اقتصادی ساکنین |
| ۹ | ۷۱/۲۶ | ۱۰۳/۹ | ۱۴۵/۸۳ | پایگاه‌های قومی، قبیله‌ای، نژادی |
| ۱۲ | ۶۷/۲۶ | ۹۸/۰۸ | ۱۴۵/۸۳ | تراکم جمعیت |
| ۱ | ۸۱/۳۲ | ۱۱۸/۵۸ | ۱۴۵/۸۳ | کیفیت در و پنجره ساختمان‌ها |
| ۱۰ | ۷۰/۶۳ | ۱۰۳ | ۱۴۵/۸۳ | قدمت بافت‌ها |
| ۵ | ۷۴/۸ | ۱۰۹/۱ | ۱۴۵/۸۳ | رسیدگی شهرداری به مشکلات محلات |
| ۷ | ۷۳/۴ | ۱۰۷ | ۱۴۵/۸۳ | تامین امکانات و تأسیسات برای عملکرد بهتر محله از جانب شهرداری |

منبع: یافته‌های تحقیق

در پاسخ به این سؤال که «آیا بین توجه شهرداری و سازمان‌های مرتبط به محلات شهری و کاهش جرم رابطه وجود دارد»، برای سنجش متغیرهای سؤال فوق که مقیاس آن‌ها از نوع نسبی و فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون پیرسون استفاده گردید.

نتایج به‌دست آمده (جدول شماره ۴) نشان می‌دهد که بین توجه شهرداری و سازمان‌های مرتبط به محلات شهری با کاهش جرایم شهری رابطه مستقیمی وجود دارد که در این آزمون سطح معناداری ($\text{sig} = /$) کمتر از $0/05$ می‌باشد و همچنین شدت همبستگی آن $0/64$ می‌باشد که بیانگر یک رابطه قوی ما بین دو متغیر فوق می‌باشد.

جدول ۴. رابطه میان توجه شهرداری‌ها و کاهش جرم با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون

| سطح معناداری | شدت همبستگی | تعداد | آزمون |
|--------------|-------------|-------|--------|
| ۰/۰۰ | ۰/۶۴ | ۳۵۰ | پیرسون |

از طریق انگیزش احساس مالکیت و تملک‌پذیری شهروندی نسبت به محلات و مناطق مسکونی است که حضور بیگانگان و مزاحمان برای ساکنان با اهمیت می‌شود. با تعمیر و نگهداری مناسب از مبلمان شهری و تابلوها و علائم شهری و چراغ‌های روشنایی و محوطه‌سازی توسط معاونت خدمات شهری شهرداری و هدفمند کردن گشت‌های پلیس قابل رویت به‌منظور نظارت بیشتر به خصوص در نواحی کم‌رفت‌وآمد، توسط نیروی انتظامی، شناسایی مکان‌های آسیب‌پذیر و افزایش میزان تردد در آن‌ها می‌توان علاوه بر بهینه‌سازی هزینه‌های شهری، از بالارفتن ظرفیت مناطق در جرم‌خیزی کاست.

به‌معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرارگرفتن و آسانی نظارت است که می‌توان امکان نظارت بر مناطق شهری را به‌وسیله شهروندان یا ارگان‌های

در پاسخ به این سؤال که «از دیدگاه شهروندان کدام شاخص در طراحی محلات شهری می‌تواند در کاهش جرم (سرقت) نقش داشته باشد» با توجه به جدول شماره (۳)، اولویت‌بندی گویه‌ها حاکی از آن است که کیفیت در و پنجره ساختمان‌ها بیشترین اهمیت را در کاهش جرم (سرقت از منازل) داشته‌است و وجود نگهبان محله اولویت دوم را دارا بوده و تراکم جمعیتی در محلات نقش چندانی در کاهش جرم نداشته‌است. ذکر این نکته حایز اهمیت است که مردم در پاسخ‌های خود بیشتر عامل سرقت را مدنظر قرار داده‌اند.

با مطالعات دقیق میدانی، این موضوع به اثبات رسیده که مرزبندی فضاها، افزایش میدان دید به درهای ورودی و پنجره‌ها و تصاویر تداعی‌کننده مالکیت، می‌توانند با کمترین هزینه، پیشگیری حداکثری از جرایم خاص را در پی داشته باشند. بدیهی‌است که طراحی صحیح روشنایی و امکان کنترل زنده فضاها در معرض خطر (در و پنجره ساختمان‌ها) می‌تواند در کاهش جرم (سرقت از منازل) اهمیت داشته باشد، همچنین طراحی ساختمان‌هایی با امکان مشاهده معابر و خیابان از داخل ساختمان و امکان رؤیت همسایگان و عابری بر آن، اعمال کنترل دسترسی و وجود راه‌های ورود و خروج محدود، عدم وجود مکان‌های تاریک و کم‌نور در قسمت‌های در و پنجره‌های ساختمان، واقع در نقاط کور مانند عقب‌نشینی‌ها و تورفتگی‌ها، به‌کارگیری تجهیزات حفاظتی مانند دوربین مدار بسته، سیستم‌های هشداردهنده، بهبود کیفیت قفل‌ها و لولاهای روی درب و پنجره‌ها و با استفاده کافی از نرده‌ها و هشداردهنده‌ها، تأثیر زیادی در کاهش سرقت خواهند داشت.

با تعریف شفاف ورودی و خروجی ساختمان‌های مسکونی و نوع و چگونگی نورپردازی و نظارت طبیعی بر نحوه دسترسی به آنها می‌توان برای کاهش پتانسیل دسترسی به مناطق برای جرم‌خیزی و ارتکاب جرم استفاده نمود.

موارد حاد، فعالیت‌های روزمره اجتماعی به‌طور کامل مختل خواهد شد.

عوامل محیطی می‌تواند با ایجاد شرایطی، مجرم را تشویق به ارتکاب جرم کند و برعکس با افزایش نظارت از طرق مختلف از وقوع جرم پیشگیری کند. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته به‌عنوان مثال حیدری و همکاران (۱۳۹۰) برای شهر زنجان، توزیع متعادل کاربری‌ها را عاملی برای کاهش تراکم و به تبع آن کاهش جرم عنوان نمودند.

در مطالعه‌ای دیگر شاهپوندی و همکاران (۱۳۸۸) در شهر اصفهان، به این نتیجه رسیدند که بین زمان وقوع جرم، نوع جرم، تراکم جمعیت و تعداد جرایم رابطه معناداری وجود دارد. درحالی‌که در مطالعه حاضر که برای مناطق (۱ و ۳) بخش مرکزی شهر اصفهان صورت گرفته‌است از دیدگاه شهروندان، تراکم جمعیت عاملی برای افزایش جرم نمی‌باشد. شاید علت آن، مدنظر قراردادن سرعت به‌عنوان فراوان‌ترین جرم در این بخش باشد و دیگر اینکه اگر تعداد جرایم را نسبت به جمعیت هر منطقه مطالعه کنیم در آن‌صورت می‌توان برآورد دقیق‌تری از رابطه بین تراکم جمعیت و تعداد جرایم به‌دست آورد.

چنان‌که در مطالعه شاهپوندی و همکاران، وقتی تعداد جرایم را نسبت به هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت می‌سنجند منطقه ۱ در رتبه اول (با ۴/۰۴ جرم) و منطقه ۷ (که جرم‌خیزترین منطقه) محسوب می‌شد در رتبه چهارم قرار می‌گیرد.

لذا طبق نظر نویسندگان تراکم جمعیت محل به تنهایی عاملی برای افزایش جرم نمی‌باشد. در پژوهش حاضر، شدت همبستگی بین توجه شهرداری‌ها و کاهش جرم با استفاده از آزمون پیرسون عدد ۰/۶۴ را نشان می‌دهد که بیانگر یک رابطه قوی مابین متغیرهای فوق است. از دید شهروندان نیز؛ مدیریت و نگهداری از محیط، رسیدگی شهرداری به مشکلات، تأمین روشنایی خیابان‌ها و امکانات و تأسیسات محله از جانب شهرداری می‌تواند در کاهش جرایم مؤثر باشد.

انتظامی فراهم کرد. بر این اساس این امکان فراهم می‌شود که مناطق شهری در معرض دید عمومی قرار گیرند و از ایجاد مناطق غیرقابل نظارت و به اصطلاح مناطق کور جلوگیری به عمل گردد.

با مناسب‌سازی فضاهای شهری به‌ویژه در ساعات شبانه، دقت در کاشت گیاهان و جلوگیری از ایجاد گوشه‌های پنهان و فاقد نظارت، ایجاد فضاهایی که امکان دیدن و دیده‌شدن در آنها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورند پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌آورند.

از این‌رو برای مثال استدلال می‌شود که نرده‌ها و پرچین‌ها می‌توانند به‌عنوان موانع فیزیکی تلقی شوند و نشانه‌هایی از نظارت مردم بر همدیگر و مواظبت از یکدیگر می‌باشد. با جای‌دهی کیوسک‌های تلفن و روزنامه‌فروشی یا دکه‌های سیار در مناطق جرم‌خیز توسط شهرداری و حفاظت از آسیب‌رساندن به تجهیزات شهری مانند حفاظدارکردن چراغ‌های معابر، افزایش امکان دید در جهت‌گیری ساختمان و مکان پارکینگ در طراحی شهر، توسط سازمان‌های مرتبط به محلات شهری مانند معاونت خدمات شهری، سازمان شهرسازی شهرداری و سازمان مسکن و شهرسازی و ایجاد کاربری‌های تفریحی، اداری، مسکونی و... در محلات، توسط شهرداری می‌توان به رابطه مستقیم بین توجه شهرداری و سازمان‌های مرتبط به محلات شهری و کاهش جرم پی برد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده کیفیت مطلوب در زندگی انسان، موضوع «امنیت محیط زندگی» و مصون‌ماندن افراد اجتماع از خطرات، آلودگی‌ها و ناهنجاری‌ها در محیط زندگی است. احساس ناامنی در محیط و نگرانی‌های ناشی از مکان‌های ناامن در محیط بر سایر فعالیت‌های انسانی تأثیر می‌گذارد و امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و غیره به درستی انجام‌پذیر نخواهد بود و در پاره‌ای

کاهش سرقت نقش داشته باشد در ضمن با استفاده از مطالعات آسیب‌شناسی و تهیه نقشه‌های کامل محلات شهری در خصوص پهنه‌بندی وقوع جرم و همچنین با مطالعات بوم‌شناسی تطبیقی برپایه عوامل اقتصادی، فرهنگی در محلات شهری و حذف فضاهای غیرقابل دفاع مثل بافت‌های فرسوده و گتوها با طراحی مناسب فضاهای شهری، از وقوع جرایم پیشگیری نمود.

بیشتر پاسخ‌دهندگان با مدنظر قراردادن عامل سرقت، مقاوم‌بودن در و پنجره را مهم‌ترین عامل در کاهش جرم دانستند. با استناد به نتایج به‌دست آمده و توجه به اصول CPTED در جهت پیشگیری از جرایم، هماهنگی و مساعدت شهرداری در بهینه‌سازی اصول و شاخص‌های CPTED می‌توان اقداماتی مهم در پیشگیری و کاهش جرم انجام داد و علاوه بر آن، توجه شهروندان به معماری ساختمان‌ها و رعایت اصول ایمنی می‌تواند تا حدی در

References

1. Abdullahi, h, M. (2004), Crime prevention through urban land use planning (case study: robbery in the zanzan city), MSc Thesis Geography and Urban Planning, University of Zanzan.
2. Ahmadi, H. (2005), Sociology of deviations, Tehran: Publishing the samt.
3. Alikhah, F. najibi. R, M. (2006), Women and fear of crime in urban spaces, Journal of Social Welfare, Vol. 6, No. 22.
4. Byanlu, Y. Mansourian, M. (2006), Relationship between population density and the amount and type of crime. Journal of Social Welfare, Vol. 5, No. 22.
5. Bayat, B. (2008), Explore the sociological sense of security among the citizens of Tehran, Isfahan University doctoral dissertation in sociology.
6. Bayat, B. shara fatipoor, J. and Abdi, N. (2008), Crime Prevention Relying on community- based approach, social Lib Police, First Edition.
7. Cozens, (2002), Sustainable Urban Development and Crime Prevention through Environmental Design for British City, Towards an Effective Urban environmentalism for the 21st Century School of Technology, University of Glam organ, Glam organ CF371NL, UK.
8. Cozens, S. Hiller, D.(2005), Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography University of Glam organ, Pontypridd, UK.
9. Crime Prevention through Environmental Design ,A guide to safe environments in Prince William County, Virginia
10. Crow, T. (2000), Crime Prevention through Environmental Design. 2nd Edition. Boston: Butter Worth- Heiman. Pp 43-67
11. Danesh, TZ. (1995), who is guilty, criminology is, keyhan Publishing, Sixth Edition.
12. Galibaf, MB. Ansarizadeh, S. Parhiz, F. (2010), Analysis of the centers of mass of the rise in urban crime, municipalities Journal, Vol. 11, No. 100.
13. Gurchy Beigi, M. (2005), Crime prevention through environmental design (CPTED), MSc Thesis in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tehran University.
14. Heidari, GH. Kargar, B. manafi, SS. Khorasaniyan, M. (2011), Crime Prevention through Environmental Design (case study: Zanzan), new approaches in human geography, Vol. 4, No. 1.
15. Hosseini, SA. (2010), Strategies for the development of education in Guilan, Rasht, Ilya Publishing, First Edition
16. kalantari, M. Hndyani, A. Sarmad, MR. (2010), The center of mass of the rise in the formation of spatial patterns of Crime(Case Study: Birjand Aliabad checkpoint), Police Management Studies, Vol. 5, No. 4.
17. Kaldi, AR. (2002), deviance, crime and prevention, Journal of Social Welfare, No. 3.

23. Kasan, M. (2006), Principles of Criminology, Mir Ruhollah Sadiq Translator. Tehran, dadgostar Publication, First Edition
24. Kashani, M. (2005), the role of educational institutions in establishing national security, Proceedings of International Conference on Social Security, Golpunch publications.
25. Mahmoudi, j, M. gurchy Beigi, M. (2009), Environmental design role in crime prevention, Law Quarterly, Volume 39, no 2.
26. Modiri, A. (2006), Crime, violence and a sense of security in public spaces, social welfare Quarterly, Vol. 6, No. 22.
27. Momtaz, F. (2002), Social deviations, Tehran, Publishing joint stock company.
28. Muezzen jami, MH. (2005), Deliberating on the concept of order, security and related factors, Social Security Studies, No. 1. www.magiran.com/npview.asp?ID=1831538
29. National Crime Prevention Council. (2003), Crime prevention through environmental design, www.ncpc.gov.sg
25. Pazukizadeh, M. (2008), Investigation
26. The prevention Methods of disease in the community. Paper jam, No. 2517, page 14.
27. PoorJafar, MR. Mahmudinezhad, h. Rafiean, M. Ansari, M. (2008), Improve safety and reduce crime in urban environment with emphasis on CPTED, International Journal of Engineering, Iran University of Science and Technology, Vol. 19, No. 6.
28. Sadig, S, RA. (1999), Marginalization and its security implications, Quarterly Police Science, No. 8.
29. Shahivandi, A. Ryisyvanany, R. sheikhy, H. (2009), Analysis of the spatial distribution of crime in urban areas, danesh Quarterly, Vol. 11, No. 4
30. Varesi, HR. (2000), An analysis of housing problems in isfahan city, dissertations of Geography and Urban Planning, University of Isfahan.

